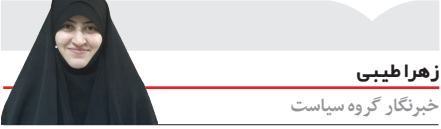


فره‌نهیجان



زهرآ طیبی

خبرنگار گروه سیاست

از سی‌ام خردادماه که پلیس آلبانی وارد کمپ اشرف شد تا روز ۷ تیر که پلیس برای بار دوم وارد مقر این فرقه شد گمانه‌زنی‌هایی درباره محتویات تجهیزات رایانه‌ای و سایبری که پلیس آلبانی از کمپ منافقین کشف و ضبط کرده مطرح می‌شد. روز گذشته اما سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت خردباد که بخشی از هاردو کیس‌ها به ایران رسیده و اکنون مشغول بازپایی اطلاعات، شناسایی رابطان و هسته‌های تخریب و نقاط کور هستند. دولت آلبانی ۱۶ شهریور ۱۴۰۱ به بهانه حملات سایبری، روابطش را با ایران قطع کرد و دست‌سود داد دیپلمات‌های آلبانی ایران را ترک کنند. حالا اما بعد از گذر از ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ به نظر می‌رسد که این کشور در کنار دیگر کشورهای اروپایی موضع خود در روابط با ایران را تغییر داده و قصد دارد که با رویکردی واقع‌گرایانه و منطقی در مسیر تعامل و ارتباط با ایران حرکت کند. حمله به مقر منافقین و کشف و ضبط تجهیزات سایبری و تحویل آنها به ایران و در آخرین مورد اظهارات نخست‌وزیر آلبانی خطاب به منافقین که گفت: «اگر مجاهدین خلق می‌خواهند با ایران بجنگند باید خاک ما را ترک کنند» این گزاره را پررنگ می‌کند که دولت آلبانی قصد دارد در راستای جلب اعتماد ایران همکاری‌ها و اقداماتی داشته باشد. ایران هم البته نسبت به این اقدامات واکنش نشان داد و وزیر اطلاعات پس از حمله به مقر از اقدام مستقلانه دولت آلبانی در حمله به کمپ منافقین استقبال کرد. در ادامه ضمن بررسی اثرات خبری که روز گذشته توسط رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت داده شد مروری خواهیم داشت بر گزاره‌هایی که شکل‌گیری نگاه تاحدی واقع‌بینانه در ذهن سیاستمداران غربی در برقراری روابط دیپلماتیک با ایران را نشان می‌دهد.

چگونه سازمانی بدنام نوجوانان و جوانان را اغفال می‌کند؟
تصور این است که عناصر وابسته به منافقین، پیرمردها و بی‌وزن‌هایی هستند که سمیاتی این تشکیلات بوده‌اند و به دلایل مختلف با نتوانسته‌اند تشکیلات ملحق شوندیا اینکه ماهوارهنگی تشکیلات، در ایران مانده‌اند تا به‌عنوان عناصر نفوذی منویات منافقین را دنبال کنند. با انتقال منافقین از عراق به آلبانی، دسترسی این تشکیلات به ایران محدود شد اما توسعه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، مجدداً ابزاری را برای فعالیت این گروه به شیوه‌ای ساده‌تر فراهم کرد. اگر در گذشته افراد با شناخت و آگاهی به تشکیلات منافقین می‌پیوستند، در دوره فعلی، هیچ کس تمایلی به عضویت در سازمانی دوره‌گرد و تئوریستی ندارد. بر همین اساس نیز عناصر این سازمان در شبکه‌های اجتماعی، با اکتان‌های فیک به فعالیت می‌پردازند و افراد را بدون اطلاع، به‌عنصر عملیاتی تشکیلات‌شان تبدیل می‌کنند تا در ایران عملیات انجام دهند. ساختار جدیدی که منافقین برای جذب و آموزش نیرو استفاده می‌کنند، کاملاً وابسته به شبکه‌های اجتماعی است. آمارهای رسمی و مشاهدات عینی نشان می‌دهد عمدتاً مخاطبان این شبکه‌ها نسل جوان ۱۳ تا ۳۰ساله هستند. در این مقطع سنی، افراد عمدتاً جسور، کم‌تجربه و ماجراجویند. این همان ویژگی‌های یک عنصر مطلوب برای گروهک تئوریستی منافقین است. آنها در توئیتر و اینستاگرام، اخبار جعلی رایج‌به اقتصاد و سیاست ایران، منتشر می‌کنند و در انتظار بازخورد و نظرات در ذیل پست‌ها و توییت‌ها می‌نشینند. در مرحله بعد با بررسی منش‌ن‌ها و نظراتی که افراد در ذیل پست‌ها می‌گذارند،

سوزه را انتخاب و اصطلاحا «نشان» می‌کنند. گاهی نیز آنان موردی برای تعداد زیادی اکانت، اطلاعات جعلی ناامیدکننده می‌فرستند و از آن بازخورد می‌گیرند. بخشی از سوزه‌ها یا طعنه‌های این شبکه نیز از طریق دنبال‌کنندگان صفحات بی‌بی‌سی فارسی، رادیو فردا، شبکه منوئو، ایران اینترنشنال، ایندپیندنت فارسی و رسانه‌هایی از این دست، به‌دست می‌آید؛ چرا که دنبال‌کنندگان این شبکه‌ها عمدتاً منتقد یا مخالف سرخست جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن در حوزه‌های مختلف هستند. با خواندن مطالب جهت‌دار این صفحات، افراد تهییج شده و احتمالاً نظری در ذیل پست مربوطه قرار می‌دهند. به هر اندازه که این نظرات تندتر باشد، فرد موردنظر سوزه‌بهتری برای سازمان خواهد بود. پس از «نشان» کردن سوزه، گفت‌وگو با وی در صفحه شخصی (Pv) ادامه پیدا می‌کند. با توجه به بدنامی این سازمان و نفرتی که نسبت به آنان در ایران وجود دارد، فرقه منافق به‌هیچ‌عنوان هویت خود را لو نمی‌دهد تا ارتباط در این نقطه به‌پایان نرسد. دریک‌سوی این گفت‌وگو نوجوانی ۱۳ساله‌و در سوی دیگر، منافقی ۵۰تا ۶۰ساله که دقیقاًی داند باید با طعمه‌اش چگونه برخورد کند، قرار دارد. گفت‌وگو در گام‌های نخست حول «هاکرهای مدنی» اصلاح‌کشور صورت می‌پذیرد و در میانه‌آن با ارسال اخبار جهت‌دار و ناامیدکننده و تصویرسازی یک‌زندگی ایده‌آل بدون جمهوری اسلامی، طعنه‌به‌سمتی هدایت می‌شود که هرگونه جنبش یا اقدام مدنی را بی‌فایده می‌داند و به این نقطه می‌رسد که تنها راه بهبود شرایط یک شورش یا انقلاب پرهزینه‌از درون است. اصطلاحاً در این مرحله سوزه «اتقاع‌سازی» شده است و به مرحله بالاتر منتقل می‌شود که سریل منافقین با او در تماس خواهد بود. سریل در این گفت‌وگو، مسیری را دنبال می‌کند که در نهایت سوزه به این نتیجه برسد همه مشکلات از جمهوری اسلامی است. به‌او گفته می‌شود این تقصیر اسلام است که به‌عنوان یک نوجوان یا جوان، چنین وضعی دارد.

سریل در ابتدا از سوزه می‌خواهد در منزل یا بیرون منزل روی کاغذ شعراهی علیه‌جمهوری اسلامی بنویسدتصویر آن را برایش فرستد، امدار کنار این اقدام، ملاحظات ضدامنیتی را نیز به‌او آموزش می‌دهد. به‌عنوان نمونه به او آموزش می‌دهد در اتاقی عکس بگیرد که روی دیوار تصویر نباشد، فرش و سایر وسایل خانه مشخص نباشد و اگر در تصویر لباس فرد مشخص است، حتماً لباسی باشد که دست‌اناش آن را ندیده باشند. در مرحله بعدی، فرد هدایت به شعازنویسی روی دیوار می‌شود. این یکی از راهکارهای اصلی منافقین برای ابراز وجود و اثرگذاری بر افکار عمومی است. به سوزه آموزش‌هایی داده می‌شود که محلی را برای شعازنویسی انتخاب کند که تا محدوده شخصی فاقد دوربین باشد. فراگیری آموزش‌های امنیتی و جنبه هیجانی این اقدام سوزه نوجوان یا جوان را به مراحل بعدی هدایت می‌کند. در این مرحله او که احتمالاً دانش آموز، دانشجو یا جوانی بیکار است، باابتدای اقداماتش مبلغ قابل‌توجهی دریافت می‌کندحتی پیشنهاد تحصیل یا زندگی در خارج از کشور نیز به‌وی داده می‌شود تا با انگیزه بیشتری با تشکیلاتی که اطلاعاتی از آنها ندارد، همکاری کند. به‌جهت آموزش‌های ضدامنیتی و شیوه‌های نوین نقل‌وانتقال غیرقابل ردیابی پول، در گام‌های نخست شناسایی این افراد کمی دشوار است اما به‌مرور فرد به‌سمت اقدامات ضدامنیتی و خرابکارانه همچون آسیب‌رساندن به زیرساخت‌ها، تولید بمب‌های دست‌ساز، حمله به نهادهای دولتی و نظامی با کوکتل مولوتف، میل می‌کند وزیر دره‌بین سرورس‌های امنیتی و اطلاعاتی ایران قرار می‌گیرد. با اقدامات خرابکارانه و تئوریستی، طعنه‌ها همان سوزه‌متوجه می‌شود که چه‌فرجامی در انتظارش است. همین مساله‌نیز باعث می‌شود تا

سیاست

اطلاعات سازمان منافقین پس از عملیات تیرانا در اختیار تهران قرار گرفته است؟

این کیس فرق دارد

با دستگیری افرادی که ماموریت‌هایی مشابه او داشته‌اند، وی نگران شده و به سرشبه‌ک‌های که او را به این سمت هدایت کرده، فشار بیابورد تا زمینه خروج از کشور و تحصیل یا زندگی در اروپا را فراهم کند. خروج این هسته عملیاتی از کشور، برای سازمان آورده‌ای ندارد و از همین رو حاضر به کمک در این زمینه نمی‌شوند. در این وضعیت امکان دارد طعنه که اکنون به یک خرابکار یا تئوریست تبدیل شده‌است، بخواهد سرشبه‌کا را تهدید کند که در صورت عدم انجام وعده‌ها‌ش، ماجرا را با نهادهای امنیتی ایران در میان بگذارد. سرخوردگی ناشی از پایان زندگی رویایی در اروپا، در کنار انتشار اخبار از کشف و دستگیری کانون‌های شورشی و عاملان اقدامات تئوریستی، او را به این نقطه می‌رساند که خودش به جرمش اعتراف کند تا از این طریق مشمول تخفیف شود. پیش از اینکه چنین اتفاقی بیفتد، سازمان پیشقدم می‌شود و نوجوان یا جوانی که در یک پروسه چندماهه تبدیل به یک خرابکار یا تئوریست شده‌است را لومی‌دهند تا نهادهای امنیتی او را دستگیر کنند. با دستگیری این فرد، منافقین از اویک کیس حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی درست می‌کنند و در مجامع بین‌المللی از دستگیری نوجوانان و جوانان به جرم فعالیت سیاسی سخن می‌گویند. به عبارت ساده‌تر، منافقین حتی از جنازه طعنه خویش نیز نمی‌گذرند و از آن بهره‌برداری خود را می‌کنند. داده‌های غیررسمی نشان می‌دهد در ناآرامی‌های سال گذشته، بخشی از دستگیرشدگان نوجوانان و جوانانی بودند که با وجود اینکه منافقین را سازمان تئوریستی و بدنام می‌دانستند اما دانسته در دام همین سازمان گرفتار شدند. فقدان آموزش‌های لازم در این زمینه به والدین و جوانان، آینده بسیاری از آنها را به مخاطره خواهد انداخت. در ایران بالاترین نگرانی خانواده‌ها از حضور فرزندان‌شان در شبکه‌های اجتماعی، محدود به داده‌های جنسی و پورنوگرافی است اما خطر بزرگ‌تر از این، افتادن نوجوانان و جوانان در دام گروهک‌های تئوریستی همچون منافقین است گروهک‌هایی که فرد تاروز دستگیری نیز نمی‌داند تبدیل به یکی از عوامل آن شده است.

تلاش برای منزوی کردن ایران در صحنه بین‌الملل

برای اینکه اثرات تحویل دیتاییس‌های منافقین به ایران را بهتر درک کنیم، بد نیست تغییر فعالیت این سازمان تئوریستی در چند وقت اخیر را مورد بررسی قرار دهیم. در روزهای وقوع ناآرامی در ایران و هم‌زمان با اینکه زرمزه‌هایی از لابی اپوزیسیون ضدایرانی برای قرار دادن سپاه در لیست تئوریستی اتحادیه اروپا مطرح می‌شد، تصویری که شبنم‌مددزاده، عضوسازمان منافقین از حضور در پارلمان اروپا منتشر کرده، مشخص کرد که مهم‌ترین لابی ضدایرانی برای قرار دادن سپاه در لیست تئوریستی، توسط گروهک تئوریستی رجوی ایجاد شده است. فشار این سازمان اگرچه منجر به انتشار بیانیه پارلمان اروپا در این راستا شد اما اتحادیه اروپا، سپاه را در لیست گروه‌های تئوریستی قرار نداد، این البته تنها تلاش این سازمان تئوریستی برای منزوی کردن ایران در صحنه بین‌المللی نبود. دیدار و ملاقات با مقامات غربی و تا‌کید بر بستن سفارتخانه‌های ایران در این کشورها، دیگر اقدامی بود که این سازمان برای عملی شدن آن در روزهای ناآرامی، انجام داد. مریم رجوی، سرکرده این فرقه در کنفرانس این گروهک که با حضور برخی اعضای پارلمان اروپا در بهمن سال گذشته برگزار شده بود، مشخص گفت الان وقت آن است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا، سفارتخانه‌های ایران در اروپا را تعطیل کنند. این گروهک همواره سعی می‌کرد با باج دادن به برخی از شخصیت‌های سیاسی کشورهای غربی و دعوت آنها برای شرکت در همایش‌های این

سازمان، زمینه‌موضع‌گیری و فشار علیه ایران توسط این کشورها را فراهم کند. مایک پمپئو، باب‌منندز و تدکزوز سناتورهای آمریکایی، لیز تراس و مایک پنس از جمله شخصیت‌هایی هستند که در همایش‌های منافقین حضور داشتند. این فرقه سعی می‌کرد از طریق برقراری ارتباط با این شخصیت‌ها هم‌زمان با روزهای ناآرامی در مسیر مذاکرات ایران با اروپایی‌ها اخلاخل ایجاد کند تا مذاکرات به نتیجه نرسد. محاسبه غلط اروپایی‌ها البته باعث شد که آنها در دام این القانات بیفتند و با این تغییر که ناآرامی‌ها منجر به تغییر حکومت خواهد شد، میز مذاکره را ترک کنند. حملات سایبری به زیرساخت‌های کشور از دیگر اقدامات خرابکارانه این گروهک علیه کشور بود. بعد از حمله سایبری این سازمان به جایگاه‌های کمپ بنزین در آبان ۱۴۰۰ که روند سوخت‌رسانی در سراسر کشور را با اختلال مواجه کرد، این گروهک تئوریستی در سال ۱۴۰۱، بیش از ۸ هزار و ۳۲۱ به شبکه زیرساختی کشور حمله سایبری کرد.

تکرار دوباره قسه اوآرگی فرقه رجوی

پنجاهه‌شدن اعضای این گروهک تئوریستی به آلبانی، زمانی اتفاق افتاد که شرایط در مقر تئوریستی سابق یعنی عراق، برای این فرقه پیچیده شد. بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، شرایط برای حضور این فرقه تئوریستی در عراق سخت‌شد. تا اواخر سال ۲۰۰۸ حفاظت از مقر اشرف به‌عهده آمریکایی‌ها بود. سال ۲۰۰۹ حفاظت از کمپ اشرف به‌نیروهای عراقی سپرده‌شد، دولت جدید عراق اما موافق ادامه فعالیت این سازمان در این کشور نبود. نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق که روی کار آمد، همان ابتدا موضوعش نسبت به فعالیت این گروهک در عراق را بیان کرد و گفت حضور این فرقه در عراق خلاف قانون اساسی این کشور است. تا سال ۲۰۱۲ که این سازمان خاک عراق را ترک کند، تنش‌ها در این مقر ادامه داشت و عراق چندین بار به این کمپ حمله کرد. سازمان تئوریستی منافقین اوایل سال ۹۲ به کشور آلبانی نقل‌مکان کرد و تا سال ۹۳ نزدیک به سه هزار نفر از اعضای این سازمان در آلبانی مستقر شدند. بعد از حمله پلیس آلبانی در ۳۰ خردادماه به‌نظر می‌رسد دوباره کابوس اوآرگی اعضای این سازمان به واقعیت پیوسته است. هشدار نخست‌وزیر آلبانی به اعضای این سازمان در این باره که «اگر آنها می‌خواهند با ایران بجنگند باید خاک این کشور را ترک کنند» گزاره پایان حیات فعالیت این فرقه در این کشور را تقویت می‌کند و به‌نظر می‌رسد این بار، هدف نابودی و مهار همیشگی این سازمان است. حالا و بعد از دسترسی آلبانی به تجهیزات سایبری این سازمان و ثابت شدن این گزاره که این گروهک اقدام‌به انجام خرابکاری‌های سایبری علیه ایران می‌کند، این مطالبه وجود دارد که دولت آلبانی اجازه دسترسی‌های گسترده این فرقه به تجهیزات رایانه‌ای و سایبری را محدود کند تا امکان انجام اقدامات خرابکارانه علیه ایران از این فرقه منسلب‌شود. از آنجایی که ورود و خروج به کمپ اشرف و امکان بازسازی از این کمپ حتی برای پلیس آلبانی هم به‌احتی صورت نمی‌گرفته و درخواست پلیس برای بازدید از مکان‌های مهم این کمپ، منجر به ایجاد درگیری و ورود بیشتر نیروهای پلیس در ۳۰ خرداد شد، نیاز است دولت این کشور برای جلوگیری از تبدیل شدن این مقر به مکانی برای عملیات علیه ایران، تردد و ورود و خروج به این مقر را آزاد کند تا امکان کنترل فعالیت‌ها و اقدامات این سازمان فراهم شود. از طرفی هم این مطالبه وجود دارد که اعضای اصلی این گروهک تئوریستی به ایران تحویل داده شوند و دیگر اعضا به‌صورت پراکنده در اروپا پناهنده شوند تا امکان ادامه فعالیت‌های خرابکارانه علیه ایران توسط این گروهک به‌صورت متمرکز وجود نداشته باشد.

۲

رجوی‌ها منزوی شدند، غرب سر عقل آمد

گذر از آشوب و ناآرامی‌های سال گذشته و شکست چندباره فرقه رجوی برای ایجاد جنگ داخلی در ایران، شرایط را برای این فرقه تئوریستی سخت‌تر از گذشته کرد. کشورهای اروپایی که با گذر از اتفاقات متوجه شدند، که مقابله با ایران و بازی در زمین اپوزیسیون ضدایرانی به تعداد باخت‌های آنها اضافه می‌کند و هزینه‌هایی که باید بپردازد از فایده‌های آن بیشتر است، اندکی از موضع حمایت گرایانه از اپوزیسیون ضدایرانی فاصله گرفتند و حداقل در ظاهر از حمایت از این گروهک تئوریستی سرباز زدند. اقدام دولت آلبانی در حمله به مقر منافقین آن هم در روزی که منافقین در سال ۶۰ عملیات مسلحانه علیه مردم را آغاز کردند یکی از مواردی است که این گزاره را اثبات می‌کند. وزارت خارجه آمریکا هم بعد از حمله پلیس آلبانی به کمپ اشرف این‌طور واکنش نشان داد: «آمریکا سازمان مجاهدین خلق را یک جنبش معتبر که نماینده مردم ایران باشد نمی‌داند و از این گروه اقدامات نمی‌کند. لغو گردم‌هایی منافقین در پاریس هم از جمله اقداماتی است که نشان می‌دهد، غربی‌ها در برخورد با این سازمان تئوریستی تجدیدنظر کرده‌اند.

این گروهک البته قصد داشت در ۱۰ تیر به‌طور هم‌زمان در آلبانی و پاریس، مراسم برگزار کند که موفق نشد و بالاخره با تلاش‌های زیاد، تنها توانست یک تجمع اعتراضی آن‌هم در یکی از میادین پاریس برگزار کند. محدود شدن فعالیت‌های این گروه تئوریستی بعد از تلاش‌های زیادی که برای منزوی کردن ایران در عرصه بین‌المللی انجام داد در شرایطی اتفاق افتاده که حالا پالس‌های مثبتی از مذاکرات ایران با غرب به گوش می‌رسد. بعد از برکناری رابرت مالی، نماینده رئیس‌جمهور آمریکا در امور ایران که مدافع حصول یک توافق موقت با ایران بود و تمایلی به احیای دوباره برجام نداشت و ایران از ابتدا با چیزی تحت این‌عنوان مخالف بود، برخی تحلیلگران معتقدند برکناری رابرت مالی احتمالاً دیپلماسی آمریکا در مذاکرات را به واقع‌نگری نزدیک کرده و احتمال به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات برای بازگشت به برجام را تقویت می‌کند. سخنگوی وزارت خارجه ایران هم روز گذشته به این نکته اشاره کرد که مواضع طرف مذاکره‌کننده به واقع‌بینی نزدیک شده است. «اخیراً رگه‌هایی از واقع‌بینی و دور شدن از فضای غیرسازنده و سیاسی‌های مخرب را در طرف مقابل مشاهده کردیم، اما این برای ما کافی نیست.»

قاطعیت مقابل غربی‌ها بهتر جواب می‌دهد

بعد از اینکه کشور سوئد، مجوز توهین به قرآن را در جریان تعطیلات عید قربان به بهانه ارج نهدان به اصل آزادی بیان صادر کرد، این موضوع با واکنش منفی گسترده در جهان اسلام مواجه شد و بسیاری از کشورها از جمله امارات، ایران، اردن و عربستان سفیر سوئد در کشورشان را اخراج کردند و این کشور مجبور شد تا از موضع قبلی عقب‌نشینی کند و با فرستادن نامه‌ای به اعضای سازمان همکاری‌های اسلامی نسبت به این اتفاق ابراز تاسف عمیق کند و در نهایت هم اقدام به سوزاندن قرآن را محکوم کرد و آن را اقدامی اسلام‌هراسانه خواند. موضع‌گیری ابتدایی دولت سوئد و نهایتاً عقب‌نشینی، این گزاره را تثبیت می‌کند که قاطعیت در برخورد با غربی‌ها همیشه نتیجه بهتری در پی دارد و مواجه با آنها از موضع ضعف‌منجر به کوتاه‌آمدن آنها نمی‌شود. البته اگر چه این کشور نهایتاً این عمل را محکوم کرد، اما همچنان نسبت به درخواست دولت عراق برای بازگرداندن فرد هتاک در این کشور اقدام قابل‌توجهی انجام نداده که در ادامه مطالبه یکپارچه کشورهای اسلامی می‌تواند این امر را نیز محقق کند.

گزارش

هفته گذشته آذر منصوری توسط مجمع عمومی

جبهه اصلاحات ایران برای دوره‌ای دوساله به‌عنوان رئیس این جبهه انتخاب شد. البته بنابر گفته‌های چند نفر از اعضای جبهه اصلاحات، اجماع همه اعضا بر ادامه ریاست بهزاد نبوی بود اما با مخالفت وی همراه شد و در نهایت آذر منصوری بدون اینکه با کاندیدای دیگری رقابت کند به ریاست جبهه اصلاحات انتخاب شد. روز گذشته نیز اعضای هیات‌رئیس‌ه جبهه اصلاحات معرفی شدند؛ محسن آرمین، طاهره نسقی‌ئی، بدرالسادات مفیدی و جواد امام، افرادی هستند که با انتخاب اعضای جبهه اصلاحات به عضویت هیات‌رئیس‌ه درآمد‌اند. اما آغاز دور جدید فعالیت‌های جبهه اصلاحات و انتخاب افراد مذکور به‌عنوان اعضای هیات‌رئیس‌ه چه معنا و پیامی برای صحنه سیاسی کشور دارد؟

دورخیز برای بازگشت به قدرت

روشن است که موج جدید تحکرات جبهه اصلاحات با انتخابات اسفندماه که کمتر از هشت‌ماه با این فاصله در پی‌امی از ارتباط نیست. جبهه اصلاحات در انتخابات‌های سال ۹۸ و ۱۴۰۰ به‌دلیل درجه‌درصلاحت گسترده نامزدهای اصلاح‌طلب می‌خواند، به‌طور رسمی از هیچ‌نامزدی حمایت نکرد و ظاهراً هر دو انتخابات را تحریم کرد. البته در هر دومردمانمی برای احزاب عضو این جبهه جهت مشارکت در انتخابات قرار داده‌شد. به همین علت در انتخابات سال ۹۸ شاهد انتشار لیستی با مشارکت هشت حزب اصلاح‌طلب بودیم و در سال ۱۴۰۰ نیز علی‌رغم عدم مشارکت رسمی در انتخابات ریاست‌جمهوری، شاهدانتشار لیست رسمی جبهه برای انتخابات شورای شهر بودیم و همچنین بهزاد نبودی، رئیس‌وقت این جبهه بدون حمایت از نامزد خاصی، مردم را به شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری دعوت کرد. اما با گذشت دوسال از آغاز به کار دولت رئیسی و فاصله گرفتن اصلاح‌طلبان از مراکز قدرت به‌نظر می‌رسد این بار عزم جدی‌تری برای شرکت در انتخابات داند و با توجه به ثمرات دو انتخابات گذشته فایده چندانی برای تکرار رویکرد سال‌های ۹۸ و ۱۴۰۰ ممتور نیستند. تحکرات سیاسی و رسانه‌ای اعضای حقیقی و حقوقی جبهه اصلاحات و همچنین احزاب مختلف عضو این جبهه نیز موید دیگر همین فرضیه‌اند. با توجه به نیاز کشور و تأکید رهبر انقلاب به افزایش مشارکت در انتخابات آخر سال، هرگونه فعالیت هر حزب و جریان‌ی که به تحقق بهتر این هدف کمک کند، قابل تقدیر است. جبهه اصلاحات نیز از این قاعده مستثنی نیست. با توجه به اینکه این جبهه می‌تواند نماینده بخشی از

جبهه‌بندی جدید جبهه اصلاحات چه پیامی دارد؟

انشقاق در ایده تحریم

مسال ۸۸ به سه سال حبس محکوم شده بود. جواد امام، سخنگوی جدید جبهه به دلایل مشابه سابقه یک‌سال حبس تعزیری دارد. روشن است که انتخاب چنین ترکیبی چه معنایی خواهد داشت. در همین راستا محمدعلی وکیلی، نماینده مجلس دهم و مدیرمسئول روزنامه ابتکار در مصاحبه‌ای که هفته گذشته با خبرگزاری فارس داشت، گفت هدف اساسی آن دست‌منصوری این است که جبهه اصلاحات «وارد زمین بازی تقابلی شده» و «کشنگری را دیکتال‌تری را در نظر گرفته است.» حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در اسفندسال گذشته و در واکنش به خبر استعفای بهزاد نبوی از ریاست جبهه اصلاحات گفت: «بعضی از دوستان معتقدند که ادامه ریاست آقای نبوی مناسب فضایی سیاسی پسامسا نیست، در واقع فضا را دیکتال تر شده است.» اما آیا تغییرات اخیر جبهه اصلاحات رامی‌توان به حساب جدی‌تر شدن شکاف درون گفتمانی اصلاح‌طلبان دانست؟ اگرچه برای قضاوت نهایی باید منتظر کنش‌های بعدی این جبهه ماند اما نوسل به سناریوی پلیس خوب و پلیس بد توسط جبهه اصلاحات چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. معنای اتخاذ این رویکرد این است که با توجه به اینکه طیف را دیکتال این جبهه، ناظر به سوابق خود را درصلاحت در انتخابات مطمئن است با یفای نقش پلیس بد و اتخاذ مواضع را دیکتال تر باعث تسهیل مسیر طیف میانه‌رو در جریان انتخابات آتی به‌عنوان پلیس خوب می‌شود. تجربه رفتاری اصلاح‌طلبان را دیکتال در انتخابات مختلف این احتمال را پررنگ می‌کند که آنها اگر شکست خود در انتخابات را محتمل بدانند، مثل انتخابات مجلس در سال ۹۸ از حضور اجتناب ورزید و به‌سمت تقابل حاکم‌ثری با ارکان حاکمیت خواهند رفت، به این امید که شاید بتوانند برای هم‌طیف‌های خود که در انتخابات حضور دارند، بدنه اجتماعی ایجاد کنند. البته باید توجه داشت که رویکردهای را دیکتال برخی چهره‌های سرشناس اصلاح‌طلب می‌تواند برای طیف میانه‌رو این جریان هم هزینه‌زا باشد و موقفیت آنها در انتخابات را با چالش مواجه کند. به‌طورمثال می‌توان به مصاحبه اخیر سعید جباریان با روزنامه اعتماداشاره کرد. او که از تئوریسین‌های شاخص اصلاح‌طلبان به حساب می‌آید در این مصاحبه به تشریح چشم‌انداز پیش‌روی گروه‌های سیاسی از دیدگاه خودش پرداخته است. او